

کیهان

حسرت لحظه‌ها را کی خواهیم خورد؟

کسی که دنیای خود را عوض می کند اولین سخنی که بر زبان او جاری می‌شود رب ارجمونی؛ خدا یا مرا به دنیا برگردان (مومنون/۹۶) است.

با خروج روح و آشکار شدن تمام حقایق، او جایگاه خود و اعمال خود و علاقبت خود و حقیقت اشیاء و شدت خسارت و وسعت اشتباه و کیفیت وحشتناک خطای خود را کاملاً می‌بیند و می گوید:ربنا ایصنا و سمعنا فارجعنا نعمل صالحا لنا امقونیا؛ پروردگارا دیدیم و شنیدیم، ما را بازگردان تا کار شایسته کنیم چرا که ما یقین آوردیم (سجده آیه ۱۲)

به تعبیر امیرالمومنین:فغیر موصوف ما نزل بهم؛ یعنی نمی‌توان توصیف کرد که آنها به چه بلایی گرفتار شدند(نهج البلاغه؛ خ ۱۰۹) حضرت امیر با اینکه امیر بیان است ولی حال آنها را غیرقابل توصیف می‌داند.

فردی که زندگی خود را با اشتباهه سپری کرده هرگز است دنیا و مافیها را فدیبه بدهد تا او یک لحظه به این دنیا بیاید ،چون آنجا می‌فهمد که در یک لحظه دنیا، می‌توان قیامت برپا کرد اما اجازه نمی‌دهند و می‌گویند:لات حین مناص ؛ (چه سود) که زمان، زمان فرار نبود. (سوره ص آیه ۳)

از امامز معلوم می‌شود که ما از زمان و وقت و لحظه‌ها گرانتر چیزی نداریم ،چون در این دنیا چیزی وجود ندارد که قیمت آن دنیا و مافیها باشد، لذا اهل برزخ و اهل محشراین معامله را آرزو می‌کنند؛ پس قدر لحظه‌ها را بدانیم.

شهید اول می‌فرماید: (و من الخسران صرف العمر فی المباحت) گذراندن عمر در کارهای مباح زیانکاری است.
ضرب المثلی است که می‌گوید همه به وقت نگاه می‌کنند ولی وقت به هیچ کس نگاه نمی‌کند.

به تعبیر حافظ:

صبح است ساقیا قذحی بر شراب کن

دور فلک درنگ ندارد شتاب کن

و به تعبیر یکی از عرفا:

من نمی‌گویم زبان کن یا به فکر سود باش

ای زفرصتی یی خیر در هرچه هستی زود باش
کاتال رسمی آیت‌الله سید حسن عاملی
https://telegram.me/seyed_hasan_amehi

ضرورت فراگیری علوم اهل بیت (ع)

محمد مهدی رشادتی

امام رضاع) فرمود:رحم‌الله عبدااحیاامرا(یعنی،یتعلم علومنا ویعملها،الانسان فی الناس لو علماومحاسبن کلانمالا لایتیونوا.
خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را زنده کند. یعنی علم ما را فراگیرد و به مردم پیاموزد. زیرا اگر مردم بر سخنان نیک ما آگاهی پیدا کنند قطعاً از ما پیروی خواهند کرد. (عبون اخبار الرضا ج ۱ ص ۱۵۱)
۶۲۰) بنابر فرمایش امام(ع) هر کس به اندازه تلاش خود می‌تواند در مرتبـه‌ای از مراتب اِحیاکنندگان دین قرار بگیرد. در حدیث داریم که شخصی که چهل حدیث از احادیث ما را حفظ کند، خداوند او را در روز قیامت عالم و قحیث میوث می‌کند. منزلت مردم را به اندازه روایتی که از ما اهل بیت نقل می‌کنند بشناسید. (یعنی هرکس بیشتر و بهتر روایت کند مقامش بالاتر است. (اصول کافی ج ۱ ص ۶۴–۶۲)

تأکید آیت‌الله بهجت

به انس از تباط با روایات اهل بیت(ع)

آیه‌الله بهجت می‌فرمود: ما باید با احادیث سر کار داشته باشیم و آنها را مطالعه کنیم. چرا که شفا در اینهاست. چقدر زشت است که مثلاً بگویند: امام زمان(ع) در خیابان صفائییه قم به منبر رفته‌اند و ما بی‌اعتنائی کرده در آن مجلس شرکت نکنیم. به هر اندازه از بیانات اهل بیت(ع) دور باشیم، از خود ایشان دوریم. ممکن است به خاطر کثرت مراجعه به احادیث برای ما علم مطلب پیدا شود و مذاق(امه(ع) برای ما مجزوم گردد. اگر به واسطه عدم مراجعه به روایات معصومین(ع) چیزهایی از ما فوت شود که مآذون نیاشیم، چه عذری خواهیم داشت؟

ایشان نقل می‌کنند: در مدرسه شیرازی سامرا در سوم رجب و روز وفات امام‌های(ع) روضه بود. واعظی ییزمرد که سنییدی لاجر اقدام و بزرگوار بود، منبر رفت. واقعا منبری عجیب بود. تمام منبر او روایات بود. مانند او را تاکنون ندیده‌ام. از اول تا آخر منبر کلمه‌ای غیر از روایت نگفت. هر گاه حدیث مشکلی را می‌خواند، بلافاصله آن را با حدیثی دیگر شرح می‌داد. غالباً نیز احادیث کوتاه می‌خواند.

واقعا از کمالات انسان است که یک ساعت صحبت کند و از خود هیچ نگوید. والان تعجب می‌کنم که او چگونه مصیبت

آیه‌الله بهجت می‌فرمود: ما باید با احادیث سر کار داشته باشیم و آنها را مطالعه کنیم. چرا که شفا در اینهاست.

خواند. بله عکسش را هم دیده‌ام که در منبر حتی یک روایت هم گفته نمی‌شود و همنها بحث سیاسی است (نکته‌های ناب ۹۰ –۷۴–۵۶)

اهمیت مجلس علم آموزی

درباره اهمیت شرکت در مجالس اهل بیت و فراگیری علوم اسلامی، مرحوم آیه‌الله بهجت می‌فرمود: یک وقتی من آیه‌الله سیدعلی قاضی را در عالم رؤیا دیدم. به من گفت: اگر تعارضی میان درس از یک طرف نماز جماعت (یا نماز اول وقت) از سوی دیگر پیش آمد، درس و بحث مقدم است. چون نماز جماعت مستحب بوده و درس و کلاس واجب است (زمزم عرفان ص ۶۷) روشن است که مقصود ایشان از طرح این مطلب، تأکید بر اهمیت اشتغال به تحصیل علمهای اسلامی است، نه اینکه عادت کنیم نماز را در وقتش به تأخیر بیندازیم.

همچنین شهید مطهری نقل می‌کند: مرد انصاری از رسول خدا(ص) پرسید: اگر همزمان تشییع جنازه شخصی باشد و یک مجلس علمی که او بهرمنند می‌شویم، تشکیل شود، شرکت در کدامیک بهتر است؟

پیامبر فرمود: چنانچه افرادی هستند که همراه جنازه بروند آن را دفن کنند، بهتر است در مجلس علم شرکت کنی. زیرا حضور در جلسات علمی از حضور در هزار تشییع جنازه و از هزار عبادت و ایماز و از هزار شب عبادت و هزار روز روزه و هزار دردم تصدق و هزار حج راضی واجب و هزار جهاد غیر واجب بهتر است. حضور در محضر عالم کجا و شرکت در تشییع جنازه کجا؟ مگر نمی‌دانی، به وسیله علم است که خدا اطاعت می‌شود و به وسیله علم ذاتی، که عبادت خدا صورت می‌گیرد. خیر دنیا و آخرت توأم یا دانش است. همانطور که شر دنیا و آخرت با جهل و نادانی توأم است (داستان راستان ص ۳۷۰)

مطلب با بسنجی از امام حسین(ع) به پایان می‌بریم. هر کس در مجلسی حضور یابد که در آن امر ما احیاء می‌شود، در روزی که قلبها می‌میرند، قلب او نمی‌میرد. (ترجمه الخصال الحسینیة ص ۱۹۲.)

مسلمان باید سبک زندگی اسلامی داشته باشد؛ سبکی که بر پایه فلسفه اسلامی شکل می‌گیرد و توجه و اهتمام به آخرت با ویژگی طریقت برای دنیا در آن اصالت می‌یابد. دست یابی به جزئیات سبک زندگی اسلامی نیازمند تعمیق و تامل در آموزه های و زندگی اسلامی و سنت و سیره پیشوایان معصوم(ع) است. نویسنده بر اساس همین فرضیه به بررسی سبک زندگی یکی از پیشوایان دین یعنی حضرت امامرضاع) پرداخته است.***

رفتار اجتماعی مسلمان

مسلمان باید بهترین رفتار اجتماعی را داشته باشد؛ زیرا بندگی خداوند تنها با نماز و روزه نیست، بلکه با نیکی و احسان به دیگران و رفتارهای پسندیده اجتماعی است که در آیات و روایات بر آن تأکید شده است. از نظر امامرضاع) بهترین بنده کسی است که خصوصیات خوب را نسبت به خدا و خلق دارا باشد و به شکل ملکه این رفتارها در او پدایند شده باشد. وقتی از امامرضاع) در باره بهترین بندگان خدا پرسش

می‌شود ایشان می‌فرماید: آنان که هر گاه نیکی می‌کنند، خوشحال می‌شوند، هر گاه بدی می‌کنند، استغفار می‌کنند، هر گاه چیزی به آنان داده می‌شود، ه هر گاه مبتلا و گرفتار می‌شوند، شکیبایی می‌کنند، و هر گاه خشمگین می‌شوند، عفو و گذشت می‌کنند. (مسند الامام الرضاع)، ج ۱ ص (۲۸۲)

شکر خالق و مخلوق

در روایت پیشین بر شکر نعمت به عنوان یکی از خصوصیات بهترین بندگان تأکید شده است. این شکرگزاری، اختصاصی است؛ شکر از خدا ندارد، بلکه بنده خوب کسی است که از هر کسی که خیری رسانند تشکر می‌کند و شکر زبانی و قلبی و عملی به جا می‌آورد. اصولا از نظر امامرضاع) کسی که شکر بنده را به جا نیآورد شکر خالق را به جا نمی‌آورد. آن حضرت(ع) می‌فرماید: مَنْ لَمْ یَشْکُرِ الْمُنْعَمَ مِنْ الْمَخْلُوقِینَ، لَمْ یَشْکُرِ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ، هر کس که صاحبان نعمت و نیکی مردمی را تشکر و سپاس نکند، خدای متعال را هم سپاس نکرده است، (عبون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۷)

کسی که در برابر نعمت دهنده حاضر و شاهد، رسم ادب به جا نمی‌آورد و شکر نمی‌گزارد به طور طبیعی نسبت به نعمت دهنده غایب که در عالم شهود و محاذ دیده نمی‌شود، رسم ادب او بعد از نخواهد آورد و سیاستگزار نعمت او نخواهد بود. (از امامرضاع) روایت است که ایشان شکر توانگری را این گونه دانسته است: کسی که یکی از سرداران دینی‌اش برای کاری به او پناه آورد ولی او، با آنکه می‌تواند، پناه ندهد و کاری برایش نکند، رشته ولایت خدای متعال را بریده است.(بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۸۱)

پاسخ دهی به عواطف و احساسات در کنار همسر و دوستان انسان موجودی اجتماعی است؛ زیرا از نظر عاطفی و نیز از نظر سر آوردن نیازهای مادی و دنیوی خویش به دیگران نیازمند است. انسان به تنهایی نمی‌تواند روزگار بگذراند و از همین روست که خداوند بر هر انسانی زوجی قرار داده تا در کنار او به آرامش برسد.

البته عواطف انسانی تنها با زوج بر آورده نمی‌شود بلکه برخی از ابعاد آن با فرزند و برخی دیگر با دوستان و مانند آن برآورده می‌شود. ظرف عواطف انسانی بسیار گسترده است و باید این ظرف ها همه علل و عوامل مناسب بر شـود. از این رو بهترین تکمیل لایف از ابعاد آن با نظر آسایشی و آرامشی در درستی پاسخ داده می‌شود به نیازهای عاطفی و روانی اش نیز پاسخ مناسبی داده شود. امامرضاع) به این دو اصل سعادت و مولفه اساسی آن توجه داشته و به عنوان نمونه بر روایات زیر پاسخ به آن اشاره می‌کند. در روایت است: از حضرت رضاع) پرسیدند: بهترین خوشی و لذت دنیا چیست؟ فرمود: خانه وسیع و زیادی دوستان.(بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۷۷)

البته دوست گرفتن ممکن است آسان باشد، ولی نگهداشتن او با پایداری در دوستی بسیار سخت است. به طوری که اگر کسی بتواند دوستان ثابتی داشته باشد یا قدر خود و آن دوست را بداند، این ارتباط پایدار موجب می‌شود تا انسان با شخص

در آیات و روایات بیان شده که تفریحات سالم هرگز خلاف بندگی و مسلمانی نیست و حتی پیامبر(ص) با امیرمومنان علی(ع) به گردش می رفت و در بوستان به سیاحت و تفریح می‌پرداختند و با هم مزاح می کردند که داستان خوردن رطب و هسته آن معروف و مشهور است.

معارف Maaref@Kayhan.ir

از نظر آموزه های اسلامی هر گناه نو، بلای نو را به دنبال می آورد. عباس بن هلال شامی می گوید شنیدم امام رضاع(ع) می فرمود: هر گاه که بندگان، گناهان تازه پدید آورند که قبلا مرتکب نمی شدند، خداوند بلای تازه ای برایشان پیش می آورد که قبلا نمی شناختند.

(امامرضاع) در باره محاسبه نفس فرموده است: مَنْ حَاسِبٌ نَفْسَهُ رِیحٌ وَ مَنْ غَفَلَ غُفْلًا عَثِبًا حَسِبٌ؛ هر کس به حساب خودش رسیدگی کند، سود می برد وهر کس از خود (و اعمالش) غافل شود، زیان می کند. (مسند الامام الرضاع)، ج ۱، ص (۳۰۲)

از سوزی دیگر باید بدانیم که همواره اعمال ما پیوسته به پیامبر(ص) و امامان(ع) عرضه می‌شود و آنان هستند که در آخرت به عنوان شاهد اعمال گواهی خواهند داد. خداوند می‌فرماید: بگو: هر کاری می‌خواهید بکنید، به تحقیق خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست و به تحقیق به سوی دایئ نهبان و آشکار بازگردانیده می‌شود پس شما را به

مرگ، آسوده می‌شود. دیگری آنکه مردم با مرگش از دست او آسوده می‌شوند. (مسند الامام الرضاع)، ج ۱، ص ۲۶۳)

عمل صالح: عامل نجات

از نظر اسلام نیت خوب و عمل صالح است که انسان را بالا می‌برد(فاطر، آیه ۱۰) هر چند که اموری دیگر چون محبت و مودت اهل بیت(ع) نیز نقش دارد که خود بخشی از عمل صالح و ایمان واقعی است. اما انسان باید مواظب باشد که بدون عمل صالح و یا تنها بسنده کردن به محبت اهل بیت نمی‌تواند کارساز باشد. امامرضاع) به شیعیان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: لا تَدْعُوا الْعَمَلَ الصَّالِحَ وَ الْإِحْتِهَادَ فِي الْعِبَادَةِ، اِتِّكَالاً عَلَى حَبِّ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، کار شایسته واجبش در پرستش و عبادت را، تنها به اعتماد آفریدگار، اطاعتی از آن دو نیست. (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۷۱)

معاشرت و برخورد با مردم

در سبک زندگی اسلامی بر چگونگی تعامل با مردم و معاشرت با آنان توجه خاص شده و روابط میان هر شخصی با دیگران در ابعاد گوناگون اجتماعی بر اساس

در سهایی از سبک زندگی امام رضا(ع)

***محمدصادق دیابتی**



آنچه انجام می‌دادید آگاه خواهد کرد.«(توبه، آیه ۱۰۵) از امامرضاع) روایت شده است: کارهای اُمت پیامبر، چه نیکان و چه بدکاران، هر بامداد به محضر رسول خدا(ص) گزارش و عرضه می‌شود، پس خذر کنیدا (همان، ص ۳۲۹)

به عنوان تبیین و تشریح شده است. این گونه است که به هر کسی می‌آموزد در نقش پدر و پسر و همسر و دوست و مانند آن چگونه رفتاری در پیش گیرد که بهترین ها باشد.

به عنوان نمونه امامرضاع) درباره تعامل با دیگران در جایگاه نقش های گوناگون می‌فرماید: با حاکم، با احتیاط همنشینی کن، با دوست، همراه با تواضع، با دشمن، همراه با هشیاری و پرهیز و با مغموم مردم

تفریحات سالم

انسان در زندگی تکامل دارد که شاد و مسرور زندگی کند و از حزن و غم و اندوه دور باشد. انسان مسلمان هیچ علاقه ای به حزن و اندوه ندارد بلکه سرور و شادی همواره جزو زندگی اوست. از این رو اگر مصیبتی در زندگی خود یا اطرافیان یابد نمود نمی‌شود و به حکم الهی گردن نهاده و پشیم پیشه می‌گیرد.(بقره، آیه ۱۵۶، حدید، آیات ۲۲ و ۲۳)

همچنین مومن هر چند خود را سرگرم لپو و لعب دنیا نمی‌کند ولی این طوری نیست که از چیزهای مباح و حلال دست بردارد و از آن بهره نبرد، بلکه نصیب خود را از طبیات دنیا می‌گیرد و مسرور و شاد زندگی می‌کند و از آسایش و آرامشی که خداوند نصیب او کرده بهره مند می‌شود. در آیات و روایات بیان شده که تفریحات تالی و هر گز خلاف بندگی و مسلمانی نیست و حتی پیامبر(ص) با امیرمومنان علی(ع) به گردش می‌رفت و در بوستان به سیاحت و تفریح می‌پرداختند و هم مزاح می‌کردند که داستان خوردن رطب و هسته آن بسیار معروف و مشهور است.«الخرائن، ملا احمد نراقی به نقل از: ۱۰۰۱ داستان از زندگانی امام علی(ع)، محمد رضا رمزی اوحدی، انتشارات سعید نوین

امامرضاع)به مسئله تفریحات سالم اشاره کرده و فرموده است: برای خودتـان بهره ای از دنیا قرار دهید، به اینکه خواسته های دل را از حلال به آن بدید، تا حدی که مرورت را از بین نبرد و اسراف در آن نباشد، و بدین وسیله، بر کارهای دین، کمک بجوید. (فقه الرضا، ص ۳۲۷)

احترام به والدین

در سبک زندگی اسلامی بر احترام به والدین و احسان و نیکی به آنان بویژه در کهنسالی تأکید شده واینکه فرزندی بی چشماندشتی باید خدمت رسانی کند و غرولند را کنار بگذارد و منتی بر کارش نگذارد.(بقره، آیه ۸۳، نساء، آیه ۳۶، انعام، آیه ۱۵۱، اسراء، آیه ۲۲) احترام به والدین از واجبات اسلامی است. در سبک زندگی اسلامی با احترام به والدین مسئولیت، کارهای والدین را به عهده بگیرد و این گونه نباشد که آنان از محبت و مودت خویش محروم کرده و آنان را تنها گذاشته و فقط گلهای به آن سر برزند.

امامرضاع) درباره تکریم و احترام به پدر می‌فرماید: بر تو باد که از پدر، فرمائبرداری کنی، به او نیکی کنی، در برابرش فروتنی و کرنش و بزرگداشت و احترام داشته باشی و صداقت را در حضور او پائین بیآوری.

(فقه الرضا، ص ۳۲۴)

آن حضرت در همین راستا صله رجم را مورد تأکید قرار می‌دهد و آن را یکی از موجبات افزایش عمر دانسته و می‌فرماید: گشاهی کسی صله رجم می‌کند، در حالی که از عمرش سه سال یاقی کمتر است، خداوند (به خاطر این عمل) باقی مماند عمر او را سی سال می‌کند و خدا آنچه خواهد می‌کند.

منتهی الٰه

صفحه ۸
سه شنبه ۲۹ آذر ۱۳۹۵
۲۹ صفر ۱۴۳۸ - شماره ۲۱۵۰۰

چراغ راه

عدم ترس در انجام گناهان صغیره و ارتکاب گناهان کبیره
قال الامام الرضاع): «من لم یغف الله فی القلیل لم یغفه فی الکثیر» امامرضاع(ع) فرمود: هر کس در انجام گناهان کوچک و اندک از خدا ترسد، در ارتکاب گناهان بزرگ و بسیار از خدا نمی‌ترسد.^(۱)

۱- عبون اخبار الرضاع)، ج ۲، ص ۱۸۰

حکایت خوبان

معنی «شکراً لله» بعد از نماز

امام رضاع) فرمود: سجده بعد از سلام نماز واجب، یک نوع شکرگزاری به درگاه خداوند است، به خاطر توفیقی که به بنددش برای انجام فرضیه داده است، و ذکر در سجده شکر این است که حداقل سه بار بگوید: «شکراً لله، شکراً لله، شکراً لله»

از امام رضاع) سؤال شد: معنی «شکراً لله» و منظور از این ذکر چیست؟ حضرت فرمود: یعنی سجده‌کننده می‌گوید: این سجده من در واقع شکر به در گاه خداوند است به خاطر توفیق خدمت و انجام فرضه‌ای که به من عطا فرموده است و شکر موجب زیادی است، و اگر در نماز کوتاهی و نقصی باشد که با نوافل جبران نشده باشد با این سجده شکر نقصان آن برطرف شده و نماز کامل می‌گردد.^(۱)

۱- مسندالرضاع)، ج ۲، ص ۳۱

پریش و پاسخ

فرف میان تقوا و ورع

پریش:

تقوا و ورع که در نصوص دینی بر آنها تأکید فراوان شده است چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟

پاسخ:

واژه تقوا از ماده «وقی» به معنای حفظ، صیانت و نگهداری است. واغب در کتاب مفردات در ذیل «ماهه وقاب» می‌نویسد: «وقایه، عبارت است از محافظت یک چیز از هر چه بدان زیان می‌رساند و تقوا یعنی نفس را در حفاظ قرار دادن از آنچه بیم می‌رود. تقوا در عرف شرع، به معنای نگهداری نفس از آنچه انسان را به گناه می‌کشاند، می‌باشد. در آموزه‌های دینی، به ویژه در نهج‌البلاغه، تقوا به معنای اجتهاد مقدس و نفسانی است که به روح قوت و قدرت می‌بخشد و نفس اماره و احساسات سرکش را مطیع و رام می‌سازد. البته تقوا مراتب دارد. مرتبه و پله اول این نربان بزرگ آن است که انسان را از ترک واجب، یا فعل حرام نگه می‌دارد. چنین فردی را می‌توان «مقنی» نامید، اما نمی‌توان گفت او اهل «ورع» است. چه آن که ورع از مرتبه نخست تقوا بالاتر است. صاحب تفسیر بیان‌المعانی می‌نویسد: المعنی من اتقی کل ما نهی الله عنه، و اکبر من التقوی الورع، و الورع من اتقی الشبهات و ترک الحلال مخافة الوقوع بالحرام.^(۱) انسان متقی کسی است که از گناه بپرهیزد، اما بالاتر از مقام تقوا، ورع است، چون در مقام ورع نه مرتبه تقوا بلکه امر با گناهان اجتناب کرده و عامل به واجبات بود، بلکه از شبهات و بلکه گاهی از کارهای حلال و مباحی که ممکن است مقدمه‌ای شود برای ورود به گناه، نیز باید اجتناب ورزید. امام‌صالح(ع) برای تقوا درجات و مراتبی ذکر می‌کند. یکی از آن مراتب را ورع می‌شمارد. چنان می‌فرماید: «فانی اوصیک بتقوی الله و طاعته، فان من التقوی الطاعة، و الورع، و التواضع لله…»^(۲) ششما را به تقوای الهی و اطاعت فرمان خدا و سفارش می‌کنم. پس بدانید که از مراتب تقوا، طاعت خدا، رعایت ورع و تواضع برای خدا است. برخی از محققان گفته‌اند: تقوا، نقشه راه رسیدن به مقام قرب خدا و تابولی راهنمای حرکت به سمت مقام «مشاهده و شهود قلبی و منزل گزیندن در جوار رضوان الهی است. کسانی که می‌خواهند به درجه اعلائی مقام تقوا برسند، باید منازل و مراحل حداقل پنج‌گانه را بگذرانند، تا به مرتبه عالی تقوا برسند. مرتبه نخست تقوا، مرتبه ایمان و تسلیم است، مرتبه دوم آن مقام «توبه» است. در این مقام مؤمن از همه گناهان اجتناب می‌ورزد، مرتبه سوم «تقوا» آن یعنی الشبهات و هو مقام الورع، یعنی اجتناب از شبهات است. امام‌صالح(ع) فرمود: ورع عملی است که انسان را از مجرمات خداوند بازداشته و او را از شبهات دور گرداند.^(۳) آن حضرت در بیان دیگری فرمود: الورع، الوقوف عند الشبهة^(۴) ورع آن است که بر بخورد با شیشه انکه توقف کند، اگر شیشه حرام است یعنی احتمال از انجام فعلی حرام باشد، آن را ترک کند و اگر احتمال واجب بودن می‌دهد ، انجام دهد.

کتابر این تقوا که ملکه نفسانی و بازدارنده دورنی‌ای است که انسان را از انجام عصیان حفظ می‌کند، مرتباً مرتبی دارد، یکی از مراتب و پله‌های این نردبانی که به سمت آسمان و قرب الهی است، «ورع» می‌باشد. البته ورع نیز دارای مراتبی است که علامه مجلسی از جمله مراتب آن را «ورع التائبین، ورع السالکین، ورع الممتقین و ورع الصالحین» ذکر کرده^(۵) و امام‌صالح(ع) برای ورع یازده اول و پایه ذکر کرده، که اولین پایه آن محاسبه نفس است. جهت آگاهی بیشتر از مراتب تقوا و ورع و آشنایی با اصول و پایه‌های آن می‌توان به کتاب‌های اخلاقی و تربیتی مراجعه کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱- بیان المعانی، ج ۳، ص ۵۵
۲- تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۵۴
۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۴۴
۴- انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۲۵۷
۵- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۵۷

سلوک عارفانه

وعده اصلاح سالک در زمان پیری از مکاید شیطان است
(بدان ای سالک حرق‌ه!) تا جوانی در دست تو است کوشش کن در عمل و در تهذیب قلب و در شکستن اقبال و رفع حجب، که هزاران جوان که به افق ملکوت نزدیک‌ترند موفق می‌شوند و یک پیر (همه) موفق نمی‌شود. قید و بندها و اقبال شیطانی اگر در جوانی غفلت از آنها شود، هر روز که از عمر بگذرد ریشه‌دارتر و قوی‌تر شوند…

از مکاید بزرگ شیطان و نفس خطرناک‌تر از آن، آن است که به انسان وعده اصلاح در آخر عمر و زمان پیری می‌دهد و تهذیب و توبه الی‌الله را به تعویق می‌اندازد، برای زمانی که درخت فساد و شجره زقوم قوی شده و اراده و قیام به تهذیب، ضعیف، بلکه مرده است.^(۱)

۱- صحیفه امام، نامه به فاطمه طباطبائی، ج۱، ص ۴۴۶

صفحه معارف روزهای شنبه، یک‌شنبه و سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۶۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۲۲۱

Maaref@kayhan.ir

منتهی الٰه